



## چگونگی ارتباط نوجوان با خانواده/ والدین در پی الگوی مناسب تعامل باشند

والدین اگر به ایجاد محدودیت و کنترل تمایل دارند یا از فرزندان اطاعت پذیری و گوش به فرمان بودن را می خواهند به طور حتم این خواسته منطقی نیست...

والدین اگر به ایجاد محدودیت و کنترل تمایل دارند یا از فرزندان اطاعت پذیری و گوش به فرمان بودن را می خواهند به طور حتم این خواسته منطقی نیست و احتمال فاصله گرفتن فرزند را از خانواده افزایش می دهد. به گزارش خبرگزاری مهر، مسئله ارتباط نوجوان با خانواده، جنبه مهمی از موضوع رشد نوجوان محسوب می شود. گرایش نوجوان به گروه همسالان، چنین تصویری را به وجود می آورد که برای نوجوان، انتخاب بین ارتباط با "خانواده" یا "همسالان" موضوعی تعارضی است. در واقع برای رشد متعادل روانی و اجتماعی، هر دو نوع ارتباط ضروری است و به این ترتیب، به جای تمرکز بر تعارض، باید کیفیت ارتباط نوجوان با خانواده را مورد تحلیل قرار داد.

خانواده به عنوان بوته احساس هویت نوجوان مطرح است. همگرایی و یکپارچگی شخصی به صورت عمده به تجربه های درون خانواده بستگی دارد. پژوهشگران در پژوهش های فراوانی دریافته اند که روابط خانوادگی منابع اجتماعی و عاطفی مهمی در زندگی نوجوان است.

در ارتباط نوجوان با خانواده، نکاتی می توانند مورد توجه باشند. شاید مهمترین چیزی که روابط نوجوان و خانواده را بحران زا می کند، حساسیت های بیش از اندازه و گاهی غیرعادی والدین است. تعیین اینکه حساسیت ما به عنوان والدین در مورد فرزند نوجوانمان باید چه اندازه باشد، بر اساس متغیرهای زیادی که می توانند موثر باشند کاری دشوار است. اما در بیشتر موارد، ریشه های حساسیت امروزی والدین را باید در ساده انگاری ها و سهل انگاری های دیروز جستجو کرد.

عده ای از والدین وقتی فرزندشان به مرحله نوجوانی می رسد تازه متوجه می شوند که باید در اموری سخت گیری و شدت عمل به خرج دهند. اگر رفتارهای والدین هم زمان با مراحل رشد به شکل منطقی پیش برود در نوجوانی کمتر ضرورتی برای سخت گیری و حساسیت بی اندازه باقی می ماند. حساسیت زیاد والدین به هر دلیلی که به وجود آمده باشد عامل مهمی در ایجاد تنش محسوب می شود. نکته عجیب آن است که هر چه والدین از حساسیت های خود کمتر نتیجه می گیرند بر شدت آن می افزایند.

در مواردی که کاهش یا تعدیل حساسیت ها از طریق گفت و گو و مذاکره به نتیجه نمی رسد، استفاده از خدمات مشاوره ای راهکاری اجتناب ناپذیر است.

### دوره شکاف

آیا تفاوت نسل ها همیشه منجر به شکاف می شود؟ تفاوت رفتار نوجوان و جوان امروزی با وضعیت مشابه سنی در سه یا چهار دهه پیش، تصور "شکاف نسل" را قوت می بخشد. مفهوم "شکاف نسل" توجه بسیاری از متخصصان رشد را به خود جلب کرده است. شکاف نسل یعنی اختلاف عمیق میان ارزش ها و نگرش های دونسل مختلف. هنوز عده ای معتقدند که بخش عمده ای از تعارض ها میان والدین و نوجوان، ناشی از همین پدیده است. بدیهی است که نوجوان و والدین میانسال، ارزش های مشابهی ندارند و این تفاوت تا حد زیادی به سن آنها مربوط می شود.

برخلاف این اندیشه که نوجوانی یک دوره ی اختلال و نا آرامی است، بسیاری از پژوهشگران دریافته اند که بیشتر نوجوانان روابط گرم، مثبت و با احترام متقابل را در تمام سال های نوجوانی با والدین خود حفظ می کنند. به این ترتیب، بزرگ نمایی موضوع شکاف نسل، فقط می تواند توجیهی برای گسیختگی روابط در بعضی از خانواده ها باشد؛ اما در اصل، پدیده ای کم و بیش طبیعی است.

به نظر می رسد عدم تلاش والدین برای روزآمد ساختن دانش و اطلاعات خود، نقش مهم تر از شکاف نسل در مسائل نوجوانی دارد. خطر تربیتی مهم در دنیای امروز، عقب افتادن قابل توجه والدین و مربیان به نسبت نوجوان در دانش های روز است که این امر موجب افزایش فاصله بین آنان می شود.

### نگرش های سنتی

گاهی در خانواده ها نگرش و باورهای سنتی، مسئله ساز می شوند. آن دسته از والدین و مربیان که تصور می کنند نسل امروز به اندازه

ی کافی مطیع نیستند و در مقایسه با دهه های گذشته، گستاخ ترشده اند، در واقع عینکی کلیشه ای و غیر منعطف به گذر زمان می نگرند.

فضای اجتماعی و شرایط زندگی امروز به نسبت گذشته تغییر کرده است و این اتفاقی است که نه برای یک بار، بلکه همیشه و در طول تاریخ روی داده است. آن چه بزرگسالان امروز تصور می کنند، فقط مختص شرایط زمان حاضر است با تفاوت هایی کم و بیش، بارها و بارها تکرار شده و تکرار خواهد شد. کافی است نگاهی به متون ادبی و قدیمی مانند گلستان و بوستان سعدی بیندازید؛ خواهیم دید که گله و شکایت نسل گذشته از نسل امروز، داستانی همیشگی و تکراری است.

اگرما به عنوان والدین به ایجاد محدودیت و کنترل تمایل داریم یا از فرزندمان اطاعت پذیری و گوش به فرمان بودن را می خواهیم به طور حتم رفتارها و خواسته های ما منطقی نیست و احتمال فاصله گرفتن فرزندمان را از خانواده افزایش می دهیم. والدینی که در مسائل فرزند خود نمی توانند به گفتگو و تفاهم روی آورند باید در کنار ایرادهایی که به او می گیرند، در مورد نگرش ها و رفتارهای خودشان نیز بیشتر تامل کنند.

### ضعف های شخصیتی

در کنار نگرش های سنتی، در مواردی ضعف های شخصیتی یکی از والدین یا هر دوی آنان، نقش موثری در گسیختگی ارتباط نوجوان با خانواده دارد. عدم ثبات و قوت رفتارها ضعف یا ناتوانی در تصمیم گیری، کاستی مهارت های زندگی، اختلافات زناشویی ناشی از مسائل سطحی و مواردی از این قبیل در مورد والدین، موجب کاهش اعتماد و اطمینان نوجوان می شود. گاهی شبیه سازی و قیاس نوجوان درباره والدین خودش با والدین دوستان، منجر به نتایج نا امید کننده شده و نارضایتی را تشدید می کند. وقتی نوجوان درباره کیفیت روابط خود با والدین دچار شک و تردید شود، به دنبال گزینه هایی می گردد که از نظر او نقطه ی اتکای مناسب تری به حساب می آید.

در نتیجه مجموع مواردی که به آنها اشاره شد، به همراه مسائل خاص دیگری از زندگی امروز، مانند افزایش قدرت نفوذ رسانه ها باعث می شوند در محیط و رای خانه و خانواده و مدرسه، جاذبه های بیشتری وجود داشته باشند. در موارد زیادی نوجوان به والدین و خانواده اش علاقه مند است، اما جاذبه های بیرونی نیز جالب اند و با تنوع طلبی او سازگاری دارند. به طور معمول، والدین و مربیان جاذب بودن آنچه را که نوجوان جذاب و مهیج می داند، نمی پذیرند و گاهی حتی در برابر آن مقاومت می کنند. آنچه در این میان بیش از هر چیزی به کار می آید، صبر و حوصله و اندکی مدارا است. اصرار در ثبات غیر مفید و مضر بودن آن چه که نوجوان جذاب و پذیرفتنی تصور می کند، کم تر به جایی می رسد. بنابراین برای ارتباط موثر با نوجوان، باید به دنبال الگوی مناسب تعامل با او بود.